

www.csr.ir

مطالعات موردی: حوزه انتخابیه دهلران

رفتار انتخاباتی در مناطق عشیره‌ای

دکتر محمدعلی بصیری
داریوش شادی‌وند

مقدمه

رفتار انتخاباتی به‌عنوان کنشی سیاسی، ریشه در فرهنگ جامعه دارد و فرهنگ سیاسی هر جامعه‌ای بر پایه فرهنگ عمومی آن جامعه شکل می‌گیرد. بنابراین در بررسی و تحلیل رفتارهای انتخاباتی، نقش عوامل فرهنگی و ساختارهای اجتماعی حائز اهمیت بسیار است.

از بین الگوهای ارائه شده تحلیل رفتار انتخاباتی، الگوی جامعه شناختی از اهمیت و ارزش بیشتری برخوردار است. الگوی اصلی جامعه شناختی تحلیل رفتار انتخاباتی، از سوی پل لازاراسفلد و گروه تحقیقاتی اش در دانشگاه کلمبیا عرضه شده است. آن‌ها در تحقیقات میدانی خود به این نتیجه رسیدند که اثر تبلیغات بر رأی‌دهندگان بسیار ناچیز است و در عمل تبلیغات گسترده احزاب اثر چندانی بر رأی

دهندگان ندارد و آنها مدت‌ها پیش از شروع تبلیغات انتخاباتی تصمیم خود را گرفته‌اند. به عبارت دیگر رأی‌دهندگان دارای گرایش ثابتی هستند که ریشه در محیط خانوادگی، شغل و محیط فرهنگی آنها دارد.^(۱)

این تحقیق به نقش ساختارهای فرهنگی و بافت اجتماعی منطقه توجه ویژه‌ای داشته و در پی آن است تا نشان دهد که نقش فرهنگ عشیره‌ای منطقه در جهت‌گیری‌ها و رفتارهای سیاسی افراد تا چه میزان موثر بوده است و، در عین حال، به تحلیل متغیرهای دیگری مانند جنسیت و سن در تعیین گرایش‌ها و تصمیم‌های سیاسی افراد می‌پردازد.

روش‌شناسی تحقیق

۱- نوع مطالعه: پیمایشی

سیاسی رأی دهندگان رابطه وجود دارد. فرضیه دو: بین متغیرهای سن و جنس و گرایش های سیاسی افراد ارتباط وجود دارد.

فرهنگ عشیره ای و رفتارهای سیاسی

فرهنگ هر ملتی ریشه در مناسبات اجتماعی، سیاسی، اعتقادی و ... آن ملت در فرایند تاریخ دارد و اگر چنین باشد باید گفت که تاریخ ایران گورستان حکومت های ایلی است. به عبارت دیگر، تاریخ ایران چرخه ای است از هرج و مرج، جنگ ها و نبردهای بین ایلات، قدرت یافتن یک ایل و ایجاد امنیتی سست و بی پایه و سپس دوباره آغاز هرج و مرج و روی کار آمدن ایلی دیگر. یعنی اگر سیر تاریخ کشور را از ورود آریایی های بگیریم، خواهیم دید که تاریخ ایران چیزی نیست جز گورستان حکومت های ایلی که از مادها و هخامنشیان آغاز شده و به قاجارها ختم می شود.

بنابراین اگر فرهنگ را رونمای شیوه های زیستی یک ملت در فرایند تاریخ بدانیم، باید گفت که شیوه زیست دیران، همواره عشیره ای و سنتی بوده است. اما امروزه، به طور کلی، ما در کشور شاهد دو سطح فرهنگ هستیم. به عبارتی چون دارای دو شیوه زیست هستیم (شیوه زیست صنعتی و شیوه زیست روستایی و عشایری) با دو سطح فرهنگ نیز رو به رو هستیم: یکی فرهنگی که شهری، صنعتی و عقلانی است و دیگری فرهنگی که بافت عشیره ای، روستایی و سنتی دارد.^(۳) در طی قرون ۱۹ و ۲۰ میلادی، مدرنیته به عنوان دین دنیای جدید اصول خود را به جهانیان تحمیل کرد و کشور ما نیز از دوران مشروطه به بعد، و

۲- محدوده مکانی تحقیق: حوزه انتخابیه دهلران
۳- محدوده زمانی تحقیق: داده های این تحقیق در بهار و تابستان ۱۳۷۹ گردآوری شده است.
۴- جامعه آماری: افراد بالای ۱۷ سال در حوزه انتخابیه دهلران، دره شهر، آبدانان (۹۵۰۰۰ نفر)
۵- حجم نمونه و روش محاسبه آن: برای تعیین حجم نمونه از دستور کوکران^(۴) استفاده شده است که به این شرح می باشد:

$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} \div \left(1 + \frac{1}{n} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right) \right)$$

N= حجم جامعه آماری

n= حجم نمونه

t= ضریب اطمینان

P= نسبتی از جمعیت که حائز صفت معین است

q= نسبتی از جمعیت که حائز صفت معین نیست

d= فاصله اطمینان

پس از جاگذاری اطلاعات لازم در فرمول حجم نمونه برای این تحقیق به این شرح محاسبه شده است:

$$n = \frac{2^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2} \div \left(1 + \frac{1}{95000} \left(\frac{2^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2} - 1 \right) \right) = 400$$

۶- روش و طرح نمونه برداری: اتفاقی

۷- ابزار گردآوری داده ها: پرسشنامه

۸- ابزار تجزیه و تحلیل: نرم افزار spss

فرضیات تحقیق

فرضیه یک: بین فرهنگ عشیره ای و رفتار

به‌ویژه از دوره رضاخان، در معرض این فرهنگ قرار گرفته و به شدت از آن تأثیر پذیرفته است. به همین جهت در بسیاری از نقاط کشور، مناسبات ایلی به تدریج جایگاه خود را از دست داده و به سمت تأثیرپذیری از فرهنگ جدید حرکت کرده است. اما بخش‌های عظیمی از کشور، به خصوص کوهپایه نشینان ناحیه زاگرس، به دلایل متعدد، نظیر جغرافیای سخت و خشن، روحیه و خلق و خویی تغییرناپذیر داشته و به حفظ وضع موجود علاقمندند. آنان نتوانسته‌اند مشترکات منطقی فرهنگ جهانی را بومی کنند و تقریباً همچنان دست نخورده باقی مانده‌اند. اگر چه اقداماتی چون تخت قاپو کردن عشایر، که در دوره رضاخان صورت گرفت کمابیش آنها را وارد زندگی یکجانشینی در روستاها و شهرهای کوچک منطقه نمود، ولی از لحاظ تطبیق خود با فرهنگ مدنی پیشرفت چندانی حاصل نکرده‌اند و همچنان از لحاظ سطح فرهنگ، ایلیاتی و عشیره‌ای باقی مانده‌اند. حوزه انتخاباتیه دهلران که شامل ۳ شهرستان دهلران، دره شهر و آبدانان است در این ناحیه از کشور واقع شده و فرهنگ حاکم بر آن از نوع فرهنگ عشیره‌ای است. قبل از پرداختن به تأثیرات این فرهنگ بر رفتارهای سیاسی و انتخاباتی، باید گفت که این سطح از فرهنگ که مبتنی بر بی‌تفاوتی و جهل نسبت به دولت ملی است و در واحدهایی چون قبیله و یا روستا محدود می‌شود با فرهنگ سیاسی محدود (بسته) که گابریل آلموند و وربا به آن اشاره کرده‌اند^(۴) مطابقت بیشتری دارد. اما آنچه که این نظریه را با تردید مواجه می‌سازد پیشرفتی است

که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در این ناحیه حاصل شده است. این امر ریشه در عواملی چون افزایش افراد باسواد و، به خصوص، افزایش تعداد تحصیل کرده‌های آموزش عالی و نیز جنگ ایران و عراق دارد. جنگ از دو طریق باعث دگرگونی‌هایی در سطح فرهنگ این منطقه گردید: اول این که، هجوم ارتش عراق و اشغال شهرها و روستاهای این ناحیه، به خصوص دهلران، موسیان و...، موجب مهاجرت ساکنین این مناطق به شهرهای بزرگ شد و این امر سبب آشنایی آنها با فرهنگ شهری گردید. دوم این که، حضور افرادی از شهرهای بزرگ به عنوان نیروی نظامی و بسیج، موجبات رشد مفاهیمی چون امنیت ملی، منابع ملی و ... در فرهنگ محدود و بسته عشایری و در میان مردم این منطقه را فراهم آورد. به همین دلیل، از دیدگاه نگارندگان، اصطلاح فرهنگ سیاسی «محدود - تبعی» که در آن افراد از وابستگی‌های سیاسی ناب محلی خارج شده و به تدریج اقدام به تعمیم وفاداری به نهادهای حکومتی می‌کنند با فرهنگ سیاسی این منطقه مطابقت بیشتری دارد. در چنین فرهنگی فرد هنوز به عنوان یک نیروی سیاسی ضعیف ظاهر می‌شود و احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ از کارایی چندانی برای تبدیل خواست‌ها به سیاست برخوردار نیستند و این چیزی است که به وضوح در فرهنگ سیاسی این ناحیه از استان ایلام مشهود است. در متون فارسی واژه‌های ایل، عشیره، طایفه، اویماق و اولوس، به ویژه در حالت جمع (ایلات، عشایر، قبایل، اویماقات و اولوسات) غالباً مترادف با یکدیگر آماده‌اند. در

ایلیاتی را افزایش می‌دهد و انسجام درونی ایل را فراهم می‌آورد.^(۵) از دیگر مظاهر زندگی ایلی می‌توان به آگاهی افراد به عضویت در ایل و پیوند تباری، سازمان اجتماعی ایل بر پایه نظام قبیله‌ای، فرهنگ، تاریخ، گویش و سرزمین مشترک، احساس تعلق به ایل و شیوه معیشت دامداری را ذکر کرد.^(۶)

ایلات و عشایر ساکن در حوزه جنوبی استان ایلام، بسیاری از این خصایص و ویژگی‌ها را حفظ کرده‌اند به گونه‌ای که اطلاق زندگی ایلی را بر آنها آسان می‌نماید. در این شیوه زیست، اقتصاد همچنان مبتنی بر دامداری به شیوه سنتی است و افراد به عضویت در ایل و پیوند تباری اذعان داشته و احساس تعلق به ایل در میان آنها بسیار شدید است. اگر چه ویژگی دیگری چون سرزمین مشترک، امروزه اهمیت خود را از دست داده و یا حداقل دارای ابهاماتی است، ولی معمولاً افراد یک ایل در یک و یا چندین روستای هم جوار، در منطقه‌ای خاص و تقسیم شده، به سر می‌برند و معمولاً از تاریخی مشترک برخوردارند که همه اعضای تیره‌ها و طوایف یک ایل را تا نیای مشترک (واقعی یا اسطوره‌ای) در عمق تاریخ به یکدیگر پیوند می‌دهند.

تمامی اعضای هر ایل از گویش مخصوص به خود استفاده می‌کنند. حتی در ایلاتی که از یک زبان یا لهجه استفاده می‌کنند نحوه به کار بردن کلمات همان لهجه از ایلی به ایل دیگر متفاوت است. به عنوان مثال، لهجه لری کایدخورده (در منطقه دهلران) بالهجه لری زینی‌وند (در منطقه دره شهر) تفاوت‌های فراوانی دارد.

فرهنگ‌های لغت این واژه‌ها را قوم، تبار، دودمان، خانواده و گاهی جماعت و لشکریان معنی کرده‌اند. علاوه بر این، در کتاب‌های قدیمی واژه رموم (جمع رم یا رمه) نیز به معنی ایل، طایفه و قبیله به کار رفته است. ایل یک واحد اجتماعی - سیاسی است که از تعدادی طایفه تشکیل شده است و طایفه یک واحد اجتماعی - سیاسی است که از تعدادی تیره تشکیل می‌گردد. تیره‌های تشکیل دهنده یک طایفه ممکن است دارای نیای مشترک (واقعی یا اساطیری) باشند که در این صورت طایفه با نام او اسم گذاری می‌شود.

تیره خود از تعدادی دودمان تشکیل یافته است. با افزایش تعداد جمعیت هر دودمان، به مرور زمان دودمان‌های جدیدی به وجود می‌آیند و، در نتیجه، یک تیره را تشکیل می‌دهند. هر تیره به صورت یک واحد اجتماعی - سیاسی است که اعضای آن به طور دسته جمعی از منافع خود حمایت می‌کنند و به طور کلی تیره رکن اصلی طایفه و ایل است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت ایل یا طایفه مجموعه‌ای از طوایف گوناگون است. دودمان کوچک‌ترین واحد پدرتبار است که افراد آن خود را از نسل شخص معینی که بین سه تا چهار نسل پیش می‌زیسته است می‌دانند که در این منطقه آن را دودمو (Dudemo) یا باوه (Baw-Wa) و یا هوز (Hooz) می‌نامند.

جامعه عشایری دارای سه ویژگی است: وجود ساختار ایلی، سرزمین مشترک و آگاهی افراد به عضویت خود در ایل. این سه ویژگی در واقع به عواملی اشاره دارد که چسبندگی

یکدیگر پردازند. این امر در دوره‌های مختلف انتخابات مجلس شورای اسلامی و یا شوراهای شهر و روستا به خوبی نمایان است. در این انتخابات اعضای هر ایل کاندیدای مخصوص به خود را داشته و بنا به همان خصایصی که گفته شد افراد هر ایل تلاش می‌کنند تا از کاندیدایی حمایت کنند که «خودی» باشد و یا به عبارتی از اعضای ایل و تبار آنها باشد.

به منظور رسیدن به درکی جامع پیرامون تأثیر فرهنگ عشیره‌ای بر رفتار انتخاباتی سئوالاتی در پرسشنامه طرح گردید که در زیر به تحلیل این پرسش‌ها پرداخته می‌شود:

۱- از پاسخ‌گویان سؤال شده است که علایق قومی و قبیله‌ای در گزینش نماینده موردنظران تا چه اندازه مهم بوده است؟

تعداد پاسخ‌گویان ۳۹۳ نفر از ۴۰۰ نفر (کل حجم نمونه) بوده است که نحوه پاسخ‌گویی با استفاده از طیف لیکرت و روش محاسبه میانگین به قرار زیر است.

$$(۸۲ \times ۱) + (۲۷ \times ۲) + (۹۴ \times ۳) + (۶۸ \times ۴) + (۱۵۲ \times ۵) = ۱۳۶۰ \div ۳۹۳ = ۳/۵$$

که میانگین پاسخ‌ها ۳/۵ بوده است یعنی این که علایق قومی و قبیله‌ای در انتخاب نماینده موردنظر رأی‌دهندگان زیاد بوده است.

۲- از پاسخ‌گویان سؤال شده است که برنامه‌های ارائه شده به وسیله کاندیداها، در انتخاب نماینده موردنظران تا چه اندازه مؤثر بوده است؟ میانگین پاسخ‌ها به این قرار است:

$$(۴۰ \times ۵) + (۵۲ \times ۴) + (۸۸ \times ۳) + (۱۰۳ \times ۲) + (۱۰۹ \times ۱) = ۹۸۷ \div ۳۹۳ = ۲/۵$$

که بیانگر تأثیر کم تبلیغات و عدم توجه به

خویشاوندگرایی و احساس تعلق به ایل، که خود دارای پیامدهای فراوان بر رفتارهای سیاسی است، موجب گردیده تا صحنه رقابت‌های انتخاباتی تبدیل به کشمکش‌های قبیله‌ای گردد. و با توجه به این که در فرهنگ محدود و بسته عشیره‌ای، دایره اعتماد به شدت هر چه تمام‌تر تنگ می‌شود، اعضای هر ایل در تلاش هستند به هر نحو ممکن به یکی از افراد عشیره خود کمک کرده و مانع از به قدرت رسیدن قبیله مقابل شوند. تلقی آنها از مجموعه‌های خارج از عشیره به این گونه است که «اگر قدرت پیدا کند مرا و ما را از بین خواهد برد»^(۷)

این رقابت‌ها به گونه‌ای است که زمینه تکثیر و پراکندگی اجتماعی و سیاسی در این ناحیه را فراهم آورده است، به گونه‌ای که در این منطقه، از لحاظ اجتماعی، نوعی پلورالیسم حاکم است که ما از آن تحت عنوان پلورالیسم ایلی یاد می‌کنیم. از گذشته‌های دور، وجود این نوع پلورالیسم در منطقه، موجب گردیده بود تا حتی خوانین و رؤسای حکومتی که از حمایت دولت مرکزی نیز برخوردار بودند، اقتدار مطلق نداشته و همواره در مقابل ایلات و طوایف پرجمعیت منطقه به نوعی مدارا کنند و از راهکارهای دیپلماتیک استفاده نمایند.

امروزه نیز همین پلورالیسم به گونه‌ای دیگر مبنای کنش‌های فردی و جمعی به شمار می‌رود و اعضای ایلات مختلف سعی دارند از طریق دستیابی به موقعیت‌های مهم اجتماعی و سیاسی که بعضاً با حمایت تمامی اعضای قبیله از فرد به خصوص حاصل می‌شود به رقابت با



می رود، از پاسخ گویان سؤال شده است که تا چه اندازه در رأی دادن تابع پدر، شوهر یا رئیس خانواده هستند؟ که میانگین پاسخ ها به شرح زیر است:

$$= (101 \times 5) + (57 \times 4) + (59 \times 3) + (42 \times 2) + (132 \times 1)$$

$$1226 \div 391 = 3$$

در این جا مشاهده می کنیم که این امر تقریباً به میزان متوسط در رأی دادن افراد مؤثر بوده است و البته اگر پاسخ ها را به طور خالص از میان زنان و یا جوانان آنالیز کنیم، خواهیم دید که این امر تا چه میزان در رفتار رأی دهندگان در جوامع مبتنی بر فرهنگ عشیره ای مؤثر می باشد. در مبحث جنسیت بیشتر به تحلیل این پرسش خواهیم پرداخت.

۵- «تأکید بر عنصر خویشاوندی در فرهنگ های عشیره ای موجب تقسیم بندی جامعه به دو گروه می شود: گروه محدود خودی و گروه وسیع بیگانه. این امر سبب ترس از گروه غیر خودی شده و دایره اعتماد را به شدت تنگ می کند تا جایی که فقط ایل و عشیره مورد اعتماد قرار می گیرند و بقیه اعضای جامعه گروه وسیع غیر خودی را تشیل می دهند.»^(۸) بنابراین و به منظور رسیدن به عمق فرهنگ عشیره ای و تاثیر آن بر رفتارهای سیاسی رأی دهندگان، از پاسخ گویان سؤال شده است تا چه اندازه معتقدند اگر فردی از قبیله مقابل به قدرت برسد موقعیت آنها را به مخاطره می اندازد؟

میانگین پاسخ ها به این شرح است:

$$= (71 \times 5) + (93 \times 4) + (93 \times 3) + (88 \times 2) + (50 \times 1)$$

$$1232 \div 395 = 3.1$$

برنامه های انتخاباتی کاندیداها از سوی رأی دهندگان بوده است. همان گونه که در الگوی جامعه شناختی تحلیل رفتار انتخاباتی مطرح گردید، ساختارهای فرهنگی - اجتماعی عشیره ای و ایلیاتی در منطقه موجب گردیده تا افراد روزها، و حتی ماه ها، قبل از انتخابات تصمیم خود را گرفته باشند.

۳- در سئوالی از رأی دهندگان پرسیده شده است که هم زبانی با کاندیدا چه اندازه در رأی دادن آنها مؤثر بوده است؟

این سؤال از این جهت مطرح گردیده است که اولاً همان طور که گفته شد ایلات و عشایر ساکن در این منطقه از گویش های متفاوتی استفاده می کنند (لری، لکی، کردی، عربی) و این امر خود می تواند دارای پیامدهای خاص خود باشد و دیگر این که در مرحله دوم انتخابات که ایلات بیشتر کاندیداها را حذف شده می بینند، تعارضات و شکاف های زبانی، جایگزین رقابت های ایلی می گردد که البته این امر خود یکی از شاخص های فرهنگ عشیره ای است.

تعداد پاسخ گویان به این پرسش ۳۹۴ نفر از ۴۰۰ نفر بوده است که میانگین پاسخ های آنها به شرح زیر محاسبه می شود:

$$= (105 \times 5) + (75 \times 4) + (93 \times 3) + (38 \times 2) + (86 \times 1)$$

$$1226 \div 394 = 3.1$$

در این جا می بینم که این امر بیش از حد متوسط در انتخاب نماینده مورد نظر رأی دهندگان مؤثر بوده است.

۴- با توجه به این که پدرسالاری یکی از شاخص های عمده فرهنگ عشیره ای به شمار

نسبتاً بیشتر زنان به احزاب راست را در تعلقات مذهبی آنها جستجو کرده‌اند. به عنوان مثال، لیپست استدلال کرده است که در فرانسه و ایتالیا کلیسای کاتولیک پیروان خود را که اغلب زن هستند تشویق می‌کنند که به احزاب راست و مذهبی رأی دهند.^(۱۰)

برخی از نویسندگان، دیدگاهی بر خلاف نظریه فوق‌الذکر دارند و معتقدند که مطبوعات و کتاب‌های عاشقانه و نیز خلیقاتی که ادبیات، تلویزیون و سینما به دختران جوان می‌بخشند به آنان القای کند که بهترین راه برای رهایی از وضع موجود و بالا رفتن از نردبان ترقی اجتماعی، کشف شاهزاده دلربا و ازدواج متمولانه است. چنین چشم‌اندازی دختران جوان را وادار می‌کند تا به نظام ارزش‌های بورژوازی بپیوندند و هر گونه تحرک انقلابی از آنان سلب شود.^(۱۱)

بر اساس پژوهش‌های موجود در همه جا به طور متوسط ۳/۱ زنان اعلام داشته‌اند که سیاست به زندگی آنها ربطی ندارد. اما علاقه زنان دارای تحصیلات عالی به سیاست، به اندازه متوسط علاقه مردان بوده است و این علاقه‌مندی در زنان فاقد تحصیلات عالی پایین‌تر از حد متوسط در میان مردها بوده است. به طور کلی میزان شرکت زنان در انتخابات کمتر از مردهاست. پیروی زنان از شوهرانشان در زندگی سیاسی، حاکی از سیاست‌گریزی آنان می‌باشد. پایین بودن اعضای زن در سازمان‌های حزبی و یا نمایندگی پارلمان‌ها، نشان‌دهنده این واقعیت است که زنان کمتر از مردان به زندگی سیاسی علاقه دارند. سیروس فخرایی سیاست‌گریزی زنان را ناشی از

همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین پاسخ‌ها (۳/۱) بوده است. یعنی بیشتر از متوسط پاسخ‌گویان به این مسئله معتقد بوده‌اند. این امر زمانی قابل تأمل خواهد بود که توجه شود بیشتر پاسخ‌گویان فاقد هرگونه موقعیت سیاسی و اجتماعی بوده‌اند.

رابطه بین جنسیت و رفتار انتخاباتی

در این زمینه که تفاوت‌های رفتاری زنان و مردان نتیجه جنبه‌های زیست‌شناختی است یا جنبه‌های روانی و فرهنگی، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. به عنوان مثال، برخی معتقدند که یافته‌های زیست‌شناختی اجتماعی ما را به سمت این واقعیت می‌کشاند که در همه فرهنگ‌ها مردان در شکار و جنگ شرکت می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد که مردان دارای گرایش‌های زیست‌شناختی در جهت پرخاشگری هستند، ولی زنان فاقد چنین روحیه‌ای می‌باشند. دیگران این استدلال را نمی‌پذیرند و معتقدند که میزان پرخاشگری در فرهنگ‌های مختلف با هم فرق می‌کند. در بعضی فرهنگ‌ها از زنان انتظار می‌رود که انفعالی‌تر یا ملایم‌تر باشند.^(۹) در هر صورت، نکته مهم این است که بین زنان و مردان تفاوت‌های رفتاری وجود دارد. بر اساس تحلیل‌های جامعه‌شناختی، این عامل بر رفتار رأی‌دهندگان مؤثر است. به طور مثال، زنان از نظر سیاسی بی‌تفاوت‌تر از مردان بوده و یا در صورت مشارکت در زندگی سیاسی بیشتر از مردان به احزاب راست و محافظه‌کار گرایش دارند. بسیاری از نویسندگان ریشه اصلی گرایش

$$(۵۴ \times ۱) + (۱۸ \times ۲) + (۲۷ \times ۳) + (۳۷ \times ۴) + (۶۸ \times ۵) =$$

$$۶۲۹ \div ۲۰۴ = ۳/۲$$

نتیجه این که میزان سیاست‌گزیزی زنان بیشتر بوده و وابستگی و یا علاقه به جناح‌بندی‌های سیاسی در بین مردان بیشتر می‌باشد.

از پاسخ‌گویان سؤال شده است که وابستگی‌کنندید یا به جناح راست تا چه میزان در انتخاب نماینده مورد نظرشان نقش داشته است؟ که به طور کلی تفاوت نه چندان زیادی بین زنان و مردان وجود داشته است. به این معنا که گرایش زنان به کاندیدای جناح راست، تا حدودی بیشتر از مردان بوده است. هرچند به طور کلی، مردان و زنان در این حوزه انتخابیه، به علت همان فرهنگ بسته سیاسی که از آن یاد شد، درک درستی از احزاب و جناح‌بندی‌های سیاسی موجود در کشور ندارند، ولی از همین تعداد کمی که به هر حال از این جناح‌بندی‌ها متأثر بوده‌اند می‌توان به این نتیجه رسید که میزان گرایش به جناح راست در بین زنان بیشتر است. اگر به آمار و ارقام سؤال قبلی توجه شود ۷۵ نفر از پاسخ‌گویان زن به میزان زیاد و یا خیلی زیاد (نمره‌های ۵ و ۴) تحت تأثیر جناح‌های سیاسی کشور بوده‌اند که از این تعداد ۵۰ نفر از آنها به همان میزان به جناح راست گرایش داشته‌اند ولی این امر نزد مردان در سؤال قبلی ۱۰۵ نفر بوده است که از این تعداد تنها ۵۰ نفر به همان میزان به جناح راست گرایش داشته‌اند که این امر مؤید این نظریه است که زنان نسبت به مردان بیشتر به احزاب راست گرایش دارند و بنابراین محافظه‌کارترند.

بافت‌های سنتی، ایستارها، ارزش‌ها و باورهایی می‌داند که در بافت جامعه ریشه دوانیده است و موجبات انزوای سیاسی زنان را فراهم آورده است.^(۱۳) خانم رویا صدر موانع این مشارکت را در ایران، به شرح زیر خلاصه کرده است:

۱- عوامل درونی: زنان در دو نهاد عمده جامعه‌پذیری (خانواده و مدرسه) خود باور و متکی به نفس تربیت نشده‌اند.
۲- موانع فرهنگی: که ریشه در باورهای عامه دارند و در بالاترین سطح اجرا و تصمیم‌گیری نیز متجلی شده‌اند.
۳- دیدگاه‌های جعلی و سلیقه‌ای در دین
۴- فقدان و محدودیت‌های تشکلی‌های زنان و مردمی

۵- شاخص‌های اجتماعی: درصد کم دانشجویان دختر، سن پایین ازدواج
۶- نظام تربیتی مردسالار خانه و مدرسه^(۱۳)
در این تحقیق جنسیت به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته شده است و سعی گردیده تا با مطرح کردن پرسش‌هایی در این راستا، رفتار انتخاباتی زنان و مردان در حوزه انتخابیه دهلران مقایسه گردد.

از پاسخ‌گویان سؤال شده است که در دوره ششم تا چه میزان جناح‌بندی‌های سیاسی بر رفتار رأی‌دهندگان تأثیر داشته است؟ تعداد پاسخ‌گویان به این پرسش ۳۹۲ نفر از ۴۰۰ نفر می‌باشد که ۲۰۴ نفر پاسخ‌گویان مرد و ۱۸۸ نفر زن بوده‌اند. میانگین نمره پاسخ‌گویان از طیف لیکرت به این شرح می‌باشد:

$$(۶۳ \times ۱) + (۳۳ \times ۲) + (۱۷ \times ۳) + (۲۸ \times ۴) + (۴۷ \times ۵) =$$

$$۵۲۷ \div ۱۸۸ = ۲/۸$$

میزان زیاد و یا خیلی زیاد سید و یاروحانی بودن نماینده برایشان مهم می باشد. این امر بیانگر این واقعیت است که میزان سنت گرایی و تعلقات مذهبی، که می تواند گرایشات محافظه کارانه را تقویت نماید در میان زنان بسیار بیشتر از مردان است. میانگین پاسخ در این سؤال به شرح زیر است.

$$\text{زن } (35 \times 1) + (15 \times 2) + (34 \times 3) + (70 \times 4) +$$

$$(34 \times 5) = 617 \div 189 = 3.3$$

$$\text{مرد } (70 \times 1) + (21 \times 2) + (48 \times 3) + (32 \times 4) +$$

$$(34 \times 5) = 552 \div 204 = 2.7$$

همان طور اشاره شد از دیگر جلوه های رفتار سیاسی زنان سیاست گریزی بیشتر آنان نسبت به مردان می باشد. پایین بودن اعضای زن در سازمان های حزبی و نمایندگی پارلمان ها بیانگر این واقعیت است که زنان کمتر از مردها به زندگی سیاسی علاقه نشان می دهند و همین امر موجب شده است که بسیاری از افراد، سیاست را مشغله ای مردانه تلقی کنند که زنان خواه به علت تفاوت های زیست شناختی و یا نظام خاص جامعه پذیری مردسالار، از آن گریزانند. به همین منظور از پاسخ گویان سؤال شده است که: تا چه اندازه با نماینده و یا کاندیدا شدن زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی موافق هستند؟ در مجموع ۱۸۹ نفر از پاسخ گویان زن به این پرسش پاسخ گفته اند که میانگین پاسخ های به این شرح است:

$$(106 \times 1) + (36 \times 2) + (18 \times 3) + (13 \times 4) + (15 \times 5) =$$

$$395 \div 189 = 1.8$$

این امر نشان می دهد زنان به میزان خیلی کم به این امر اظهار علاقه کرده اند.

بدیهی است که جواب پاسخ گویان به سؤال بعدی، که وابستگی کاندیدا به جناح چپ تا چه اندازه در رأی دادن شما به او مؤثر بوده است؟ نتیجه ای عکس پرسش قبلی به دنبال داشته است:

$$\text{زن } (97 \times 1) + (36 \times 2) + (12 \times 3) + (8 \times 4) +$$

$$(35 \times 5) = 412 \div 188 = 2$$

$$\text{مرد } (84 \times 1) + (27 \times 2) + (25 \times 3) + (12 \times 4) +$$

$$(54 \times 5) = 531 \div 204 = 3$$

پژوهش ها نشان داده است که یکی از عوامل اصلی تعیین کننده رأی سیاسی زنان، رأی شوهرانشان است. به همین منظور در پرسش دیگری از پاسخ گویان پرسیده شده که در دوره ششم تا چه میزان تابع نظر پدر و یا شوهرانشان بوده اند که از ۱۹۰ نفر زنی که به این پرسش پاسخ گفته اند میانگین زیر به دست آمده است:

$$(38 \times 1) + (15 \times 2) + (25 \times 3) + (31 \times 4) + (81 \times 5) = 375$$

این امر بیانگر این واقعیت است که زنان در رفتارهای سیاسی خود به میزان زیاد تحت تأثیر پدر یا شوهرانشان بوده و محافظه کارتر از مردان عمل می کنند.

در سؤال دیگری از پاسخ گویان سؤال شده است که چه قدر روحانی و یا سید بودن نماینده برایتان مهم می باشد؟ پاسخ زنان به این شکل بوده است: از تعداد ۱۸۹ نفر زنان که به این پرسش پاسخ داده اند، ۱۰۴ نفر به میزان زیاد و خیلی زیاد از این که نماینده آنها روحانی یا سید باشد استقبال کرده اند. این میزان در میان مردان بسیار کمتر است: از ۲۰۴ مردی که به این پرسش پاسخ داده اند فقط ۶۶ نفر گفته اند که به

سن و رفتار انتخاباتی

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که پیران به نظم موجود دل‌بسته‌تر بوده و لذا محافظه‌کارترند، در حالی که جوانان انقلابی‌تر به نظر می‌رسند. تجربه‌نشان داده‌است که جوانان کمتر به احزاب محافظه‌کار و میانه‌رو رأی می‌دهند و بیشتر طرف‌دار احزاب دست‌چپی و یا حتی دست‌راستی افراطی هستند که خواهان تغییرند.^(۱۴) نگاهی به آمار و ارقام در انگلستان، گویای این واقعیت است که در طی سالیان متمادی، درصد زیادی از رأی‌دهندگان بالاتر از ۴۵ سال، گرایش بیشتری به جناح‌راست و حزب محافظه‌کار نشان داده‌اند. به عنوان مثال، در انتخابات سال ۱۹۹۲ بیش از ۴۹ درصد از رأی‌دهندگان ۶۵ سال به بالا و بیش از ۴۲ درصد از رأی‌دهندگان بین ۴۵ تا ۶۴ سال، به حزب محافظه‌کار رأی داده‌اند.^(۱۵)

در این تحقیق سن رأی‌دهندگان و تأثیر آن در برداشت‌های سیاسی و رفتار انتخاباتی به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌است و جامعه آماری را افراد بالای ۱۷ سال در نظر گرفته‌ایم. به منظور جلوگیری از پراکندگی احتمالی در این زمینه، سن افراد در ۵ طبقه، دسته‌بندی گردید که حداقل آن ۱۷ سال و حداکثر آن ۵۷ سال به بالا بود. همچنین با توجه به این که ترکیب جمعیتی منطقه، بیشترین تجمع را در جامعه آماری رده سنی ۱۷-۲۶ سال دارد، سعی شده است تا بیشتر پرسشنامه‌ها در بین این گروه سنی توزیع شود و، در واقع، توزیع پرسشنامه‌ها به نسبت جمعیت باشد (حداکثر جمعیت در ردیف ۲۶ - ۱۷ سال و

حداقل آن در ردیف ۵۷ سال به بالا بود). پرسش‌هایی که در این رابطه در نظر گرفته شده‌اند تقریباً همان پرسش‌هایی هستند که در رابطه با جنسیت مطرح گردیدند.

در رابطه با تأثیر جناح‌بندی‌های سیاسی بر رفتارهای سیاسی، پرسش هر طبقه سنی به این سؤال بیانگر این نکته‌است که جناح‌بندی‌های سیاسی در رأی‌پیران تأثیر چندانی نداشته‌است. یعنی اگر مجموعه دو طبقه سنی ۵۶-۴۷ سال و ۵۷ سال به بالا را در نظر بگیریم مشاهده می‌شود که از مجموع ۷۵ نفری که به این پرسش پاسخ داده‌اند که تنها ۲۳ نفر از آنها اعلام داشته‌اند که به میزان زیاد و خیلی زیاد تحت تأثیر این جریان‌ها بوده‌اند. در ردیف ۵۷ سال بالا فقط یک نفر از ۲۵ نفری که به آن سؤال پاسخ داده‌اند تحت تأثیر جناح‌بندی‌های سیاسی موجود در کشور بوده‌اند. برعکس در رده سنی ۲۶-۱۷ سال، از ۱۵۶ نفری که به این پرسش پاسخ داده‌اند ۸۶ نفر اعلام داشته‌اند که به میزان زیاد یا خیلی زیاد تحت تأثیر این جریان‌ها بوده‌اند. شاید یکی از دلایل این امر، گذر از فرهنگ سیاسی محدود به فرهنگ سیاسی «محدود-تبعی» باشد که افراد جوان به تدریج به نهادهای سیاسی اعلام وفاداری می‌کنند، ولی این امر نزد پیران که هنوز در فضای فرهنگی گذشته تنفس می‌کنند چندان مفهومی ندارد.

در پاسخ پرسش‌های بعدی نیز، تفاوت رفتارهای انتخاباتی بین جوانان و پیران به خوبی مشخص می‌شود. اما نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت می‌باشد این است که اگر توجه

علت سیستم خاص جامعه‌پذیری حاصل از فرهنگ عشیره‌ای، تمامی رفتارهای اجتماعی و سیاسی و به تبع آن رفتارهای انتخاباتی به شدت متأثر از این سطح فرهنگ می‌باشند. علاوه بر این باید گفت که به تدریج که این جوامع در حال عبور از فرهنگ سیاسی بسته عشائری هستند متغیرهایی چون جنسیت و سن نیز کمابیش موجب تفاوت‌هایی در گرایش‌ها و تصمیمات سیاسی افراد گردیده است.

پانوشته‌ها

- ۱- حجت‌الله ایوبی، «تحلیل رفتار انتخاباتی»، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، سال ۱۳۷۷، شماره ۱۳۶-۱۳۵، ص ۱۶
- ۲- فرامرز رفیع پور، **کندوکاوها و پنداشت‌ها**، (تهران: شرکت سهامی انتشارات، ۱۳۷۸)، چاپ دهم، ص ۳۸۳.
- ۳- محمود سریع‌القلم، «مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی»، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، سال ۱۳۷۷، شماره ۱۳۶-۱۳۵، ص ۳۸.
- ۴- رجوع شود به:

Almond and Powell, Comparative Politics: a Development Approach, Boston, 1978.

- ۵- سریع‌القلم، پیشین، ص ۳۷.
- ۶- همان، ص ۳۷.
- ۷- همان، ص ۴۳.
- ۸- همان، ص ۳۸.
- ۹- آنتونی گیدنز، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، (تهران: نشرنی، ۱۳۷۳)، چاپ اول، ص ۱۷۶.
- ۱۰- حسین بشریه، **جامعه‌شناسی سیاسی**، (تهران: نشرنی، ۱۳۷۴)، چاپ اول، ص ۲۹۴.
- ۱۱- موریس دوورژه، **جامعه‌شناسی سیاسی**، ترجمه ابوالفضل قاضی، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۹)، ص ۸۱.
- ۱۲- سیروس فخرایی، «موانع ساختاری مشارکت سیاسی زنان در ایران»، **چکیده مقالات پنجمین سمینارهای زن در جامعه**، دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۵.
- ۱۳- رویا صدر، «محدودیت‌ها و امکانات مشارکت سیاسی زنان در ایران»، **چکیده مقالات پنجمین سمینارهای زن در جامعه**، دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۵.
- ۱۴- دوورژه، پیشین، ص ۷۹.
- ۱۵- ایوبی، پیشین، ص ۱۰۴.

شود میزان استقبال پیران از هر دو جناح سیاسی موجود در کشور، به میزان کم و یا خیلی کم بوده است. یعنی همان‌طور که اشاره شد پیران در این حوزه انتخابیه به دلیل بافت سنتی و عشیره‌ای، هنوز از وابستگی‌های محلی جدا نشده و بیشترین دل‌بستگی آنها به همان فرهنگ سنتی و عشیره‌ای خویش می‌باشد. این امر می‌تواند محافظه‌کاری آنها را توجیه کند.

در همین رابطه می‌توان به مقایسه آرای جوانان و پیران در زمینه حمایت از کاندیداتوری سادات و یا روحانیون اشاره کرد که برای پیران که خواهان حفظ همان فرهنگ سنتی و عشیره‌ای هستند سید یا روحانی بودن نماینده از اهمیت بیشتری برخوردار است. از ۲۵ نفری که در ردیف ۵۷ سال به بالا به این پرسش جواب داده‌اند، ۲۰ نفر به میزان زیاد و ۴ نفر به میزان متوسط به نماینده روحانی یا سید علاقمند بوده‌اند. این امر در میان جوانان برعکس می‌باشد. از ۱۵۲ نفری که رده سنی ۲۶ - ۱۷ سال به این سؤال پاسخ گفته‌اند، تنها ۲۳ نفر به میزان خیلی زیاد در این زمینه اظهار تمایل کرده‌اند.

فرجام

نتایج به دست آمده در این تحقیق نشان می‌دهد که رأی دادن در این جوامع قبل از هر چیز تابعی از فرهنگ عشیره‌ای حاکم بر آنها است و به علت این که در این فرهنگ «افراد» هنوز به عنوان یک نیروی سیاسی بسیار ضعیف ظاهر می‌شوند و احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ نیز از کارایی چندانی برخوردار نیستند و همچنین به